

معرفی و نقد کتاب:

## ایران‌زمین در شعر فارسی

### معرفی

دیگر بار هویت ایرانی و بازتاب آن در ادبیات فارسی با تکیه بر شعر (نظم)، دست‌مایه تدوین کتابی شده است؛ «ایران‌زمین در شعر فارسی»، گردآوری منوچهر لک، از انتشارات مؤسسه مطالعات ملی است که چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۴ و در ۲۵۶ صفحه به بازار کتاب عرضه شده است.

کتاب دارای یک مقدمه سه صفحه‌ای و دو فصل است. فصل اول به «مفاهیم و نظریات» اختصاص دارد و عنوان فصل دوم «مؤلفه‌های ایران‌زمین در شعر فارسی» است. در پیشگفتار دو صفحه‌ای که قبل از مقدمه به چاپ رسیده (صص ۵ و ۶)، ناشر بیشتر بر عنصر دفاع از سرزمین و نقشی که این عنصر در بازتاب مقوله هویت ملی دارد، تکیه کرده است و در مقدمه، مؤلف، دلیل انتخاب شعر در تبیین موضوع «هویت ایرانی» را دو چیز دانسته است: نخست اینکه شعر هر زمان، همچون آینه‌ای منعکس‌کننده اوضاع اجتماعی آن دوران است و دوم آنکه در شعر، سهم ناخودآگاه [شعر] بیش از خودآگاه اوست، بنابراین، محصول احساس و اندیشه شاعر، سرشار از صداقت است (صص ۸ و ۹).

### فصل اول؛ مفاهیم و نظریات

در آغاز فصل، به تعریف مقوله «شعر» از قول برخی بزرگان همچون سقراط، افلاطون، شمس قیس رازی، ابن سینا، نظامی عروضی و برخی شاعران معاصر (نیما، شاملو، اخوان و غیره) پرداخته شده است. در ادامه تعاریف، به موضوع «شعر انقلاب و جنگ تحمیلی» و برشمردن دوره‌های چهارگانه «شعر انقلاب» و چهار دسته اصلی جریان شعر پس از انقلاب (شعر مذهبی سنت‌گرا، شعر نوگرای روشنفکری، شعر

روشنفکری مذهبی، شاعران جوان) نیز گریزی نسبتاً به تفصیل زده شده است. پس از این، تعریفی از شعر میهنی یا «وطنیه» و «شاعر ملی» آمده است و در بحث «روش و محدوده پژوهش»، تأکید شده که مهم‌ترین و شاخص‌ترین خط مشی و هدف این پژوهش، بررسی اشعار معاصر (از سال ۱۳۵۷ تا کنون) با مضمون ایران‌زمین و محور کار بر توصیف عینی و واقعی آثاری است که با موضوع «هویت ملی ایرانیان» و با تأکید بر مقوله ایران‌زمین سروده شده‌اند و درباره آنها قضاوت یا ارزش‌گذاری نمی‌شود (ص ۲۶). پس از این، مؤلف شاعران را که در پژوهش از آثارشان یاد شده، به سه دسته:

الف) شاعران معروفی که بیشتر مردم آنها را می‌شناسند؛

ب) شاعرانی که مردم عادی آنها را نمی‌شناسند، اما در میان اهل ادب معمولاً شناخته شده هستند.

ج) شاعرانی که هم به لحاظ شهرت عمومی و هم میان اهل ادب گمنام هستند، تقسیم کرده است (صص ۲۷ و ۲۸).

فصل دوم، دارای شش مؤلفه و هر مؤلفه خود دارای زیرمؤلفه‌هایی است که به ترتیب زیردسته‌بندی شده و ذیل هر کدام از زیرمجموعه‌ها، اشعاری که به نظر مؤلف دارای مضامین مذکور بوده، نوشته شده‌اند.

۱- توصیف مظاهر مختلف میهن (سرزمین، مادر میهن، وطن‌دوستی، افتخار به ایرانی‌بودن).

۲- نمادها و اسطوره‌های ایران‌زمین (نمادهای ایران، قهرمانان و اسطوره‌های ایرانی، توصیف پرچم ایران)

۳- انقلاب اسلامی در ایران (انقلاب، امام خمینی، اسلام در ایران).

۴- دفاع از ایران‌زمین (دفاع، جنگ تحمیلی، شهیدان وطن، فداکردن جان برای میهن، پیروزی مدافعان میهن، شهرهای میهن، سربازان و مدافعان میهن).

۵- فرهنگ و هنر ایرانی (شعرا ایرانی، هنر ایرانی، تاریخ و فرهنگ).

۶- دوری از وطن (نال‌های دور از وطن، بر حذر داشتن از ترک وطن، شکوه از عقب‌ماندگی ایران).

روش کار در این فصل، به این ترتیب است که در آغاز فقط نام مؤلفه (مثلاً انقلاب اسلامی ایران) ذکر شده و پس از آن، برای زیرمؤلفه‌ها (اول برای زیرمؤلفه انقلاب، سپس امام خمینی و در آخر اسلام در ایران) توضیحاتی کوتاه در چند سطر آمده است

و سپس، ذیل آنها چند شعر ذکر شده‌اند. شایان ذکر است ذیل برخی زیرمؤلفه‌ها، اشعار زیادی آمده ولی ذیل برخی کمتر (گاهی تنها دو شعر یا تلخیص شده دو شعر) گاهی تمامی یک شعر طولانی ذیل یک زیرمؤلفه آمده و گاه اشعار تلخیص شده‌اند. در پایان، نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی مطالب کتاب در ده صفحه و با عنوان «واپسین سخن» آمده است. فهرست زندگی‌نامه شاعرانی که شعر آنها در کتاب آمده، به اضافه فهرست منابع و نمایه نیز به انتهای کتاب افزوده شده است.

### نقد و ارزیابی

گرچه کتاب «ایران‌زمین در شعر فارسی» دارای نقاطی خوب و مثبت در بیان بازتاب برخی مؤلفه‌های هویت قومی و ملی ایرانیان در شعرهای مقطع زمانی ۱۳۵۷ به بعد است و بیشتر شعرهای آن در برانگیختن عرق ملی و احساسات وطن‌دوستی و وابستگی به سرزمین مادری و افتخار به آن، به ویژه در این زمان که هویت ملی ممکن است در سایه مباحثی همچون «جهانی‌شدن» و غیره کمرنگ شده و یا به فراموشی سپرده شود، بسیار مؤثر است و برخی اشعار ذیل عناوین خود «خوش به جا» نشسته‌اند، اما دارای اشکال‌های متعددی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### نقد شکلی

اشکالاتی که در شکل کتاب دیده می‌شود، به طور خلاصه، از این قرار است:

- در فهرست مطالب کتاب، شماره‌گذاری‌های مدخل‌های اصلی و فرعی به گونه‌ای است که در آغاز به نظر می‌رسد کتاب دارای شش فصل است، حال آنکه دو فصل بیشتر ندارد. به علاوه، در فهرست مطالب ذکر یک زیرمؤلفه (افتخار به ایرانی‌بودن، صص ۶۹-۶۱) از قلم افتاده است.
- در متن کتاب، اشتباهات نگارشی متعددی دیده می‌شود. در واقع، نثر کتاب یکدست و روان نیست. برای نمونه، در ص ۸، «به این ترتیب در جریان خلاقیت‌های فردی و جمعی، موجی از احساسات و عواطف انسانی، دینی، ملی و سایر ارزش‌های سازنده فرهنگی، در جریان خلاقیت‌های فردی و جمعی در قالب‌های متفاوت شعری خود را آشکار می‌سازد».
- ص ۵۱: «شعرهایی که با مضمون وطن سروده شده‌اند، اشعاری هستند که جهت

دفاع از هویت ملی سروده شده‌اند، این شاعران به ایران عشق می‌ورزند». ص ۶۲: «ایرانیان در صورت داشتن هویت و افتخار به آن است که می‌توانند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و... خود را آشکار ساخته و در مقابل فرهنگ و هویت‌های دیگر به کشور و هویت ملی و دینی خود افتخار کنند».

- اشتباهات چاپی (تایپی) متعددی، هم در متن کتاب، هم در اشعار و هم در فهرست‌های پایانی دیده می‌شود. برای نمونه، برخی از آنها در متن کتاب چنین است:

صحيح	غلط
که به شوق کهن	به شوق کهن
مهین‌داور	مهین‌داور
در مشام غریب	در شام غریب
با بیانی مناسب	با بیانی مناسبی
دریا متاب وری	در آمتاب روی
فدا باد	خداباد
تمام شهر را	تمام شهر
اشعار	شاعران
چه طوس، چه تبریز، چه کرمان چه زرنند	چو طوس و چه تبریز و چه کرمان و زرنند

و برخی اشتباهات تایپی موجود در فهرست زندگی‌نامه شاعران (صص ۲۴۵-۲۳۵) چنین است:

صحيح	غلط
گز و برخوار	گدو برخوردار
وی از	وی ار از
تعلم	تعلیم
زروان	زوران
(؟)	روزنامه ابر ابرو
می‌پرداخت	می‌پردازد
سابقه فعالیت	حضور سابقه فعالیت

- نام برخی از شاعران نیز اشتباه ثبت شده است. برای نمونه، در صفحه ۱۶۴، به جای محمود شاه‌رخ، محمود شاهی نوشته شده است.

- در متن کتاب (به ویژه صفحه ۱۶۵ که در فهرست به آن اشاره شده)، نامی از

رضا علی‌اکبری نیست، حال آنکه در فهرست ذیل نام ایشان به این صفحه ارجاع داده شده است.

- نام برخی از شاعران در بالای اشعار از قلم افتاده است (صص ۱۸۷، ۱۲۷ و ۱۰۷ انتهای صفحه)

### نقد روشی

در روش تدوین کتاب (فصل‌ها، بخش‌های مختلف) اشکال‌هایی دیده می‌شود. از جمله؛ ۱- شتابزدگی در تدوین کتاب؛ در تدوین کتاب نوعی شتابزدگی دیده می‌شود و به همین دلیل مرزبندی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها و حتی عناوین آنها گاهی دقیق و مشخص نیست و یک شعر را می‌توان در مؤلفه‌های متعددی جای دارد یا از یک زیرمؤلفه به زیرمؤلفه دیگر منتقل کرد و چون در این تقسیم‌بندی و ذکر اشعار از جنبه محتوایی نیز اشکال‌هایی متعدد دیده می‌شود، درباره این بند در نقد محتوایی بیشتر توضیح داده می‌شود. شایان ذکر است وجود اشتباهات فراوان در نثر و تایپ کتاب، که در صفحات پیشین به برخی از آنها اشاره شد، نیز این نظریه را تأیید می‌کنند.

۲- اشکال‌های موجود در دسته‌بندی شاعران؛ مؤلف در فصل اول، شاعران مورد نظر خود را به سه دسته، چنین تقسیم کرده است:

الف) شاعران معروف نزد همه مردم (عام و خاص) مانند شهریار، شاملو و فریدون مشیری.

ب) شاعران شناخته‌شده در میان اهل ادب و ناشناس در میان مردم؛ مانند سلمان هراتی، محمد مختاری، سیمیندخت وحیدی و حمید سبزواری.

ج) شاعران گمنام در میان اهل ادب؛ مانند فرناز حائری، اصلاان اصلانیان و حیدر رقابی. درباره این دسته‌بندی چند سؤال به ذهن مخاطب می‌رسد؛

- یکی اینکه این دسته‌بندی برای تأمین چه هدفی در متن کتاب صورت گرفته و چه نمودی در بخش‌های مختلف کتاب داشته است؟ خواننده با مراجعه به کتاب، هیچ تفاوتی را در ذکر اشعار شاعران یا ارزیابی آنها از نظر کمی و کیفی در نمی‌یابد و البته، مؤلف خود اقرار کرده است که ارزش‌گذاری شعرها از اهداف کتاب نیست (ص ۲۶).

- آیا این دسته‌بندی درست و دقیق انجام شده است؟ آیا واقعاً سلمان هراتی،

محمد مختاری، حمید سبزواری، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی، محمود شاهرخی و پرویز بیگی حبیب‌آباد، فقط در میان اهل ادب معروفند؟ آیا حیدر رقابی «اهاله»، مهدی دستگار، محمدجواد محبت و اصلا ن اصلا نیان، در میان اهل ادب گمنام هستند؟

- و سؤال مهم‌تر اینکه چرا نام برخی از شاعران شناخته‌شده در ادبیات مقاومت و پایداری یا شعر انقلاب، همچون سیدکریم امیری فیروزکوهی، قیصر امین‌پور، علی موسوی گرمارودی، عبدالجبار کاکایی، ساعد باقری و سهیل محمودی در این فهرست‌ها خالیست؟

- همچنین باید پرسید آیا امام خمینی در میان خاص و عام به شاعری معروف است که مؤلف ایشان را در فهرست (شاعران) معرفی کرده است؟ شایان ذکر است که در تمام کتاب تنها دو رباعی از امام خمینی (ص ۹۴) آمده، و در فهرست منابع نیز نام کتابی از ایشان ذکر شده است (دیوان شعر). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت این دسته‌بندی نه هدف مشخصی را در تدوین کتاب تأمین می‌کند و نه پایه‌ای صحیح و علمی دارد.

۳- توضیحات اضافی یا غیرلازم؛ برخی توضیحات مؤلف که در فصل اول آمده، لازم به نظر نمی‌رسد؛ برای نمونه، شعر چیست و تعاریف آن (صص ۱۳-۱۱)، ذکر تقسیمات شعر (کلاسیک و معاصر) و برشمردن نام سبک‌های شعر سنتی (خراسانی، عراقی و هندی در صص ۱۵-۱۳)، از این جمله‌اند.

ذکر تفصیلی دوره‌های مختلف شعر انقلاب و جنگ تحمیلی (صص ۲۰-۱۷)، توضیح درباره سابقه ذکر ایران زمین در متون کهن مانند شاهنامه و نزهه‌القلوب (صص ۲۶-۲۴)، نیز در همین زمره‌اند؛ زیرا به نظر می‌رسد ذکر این‌گونه تعاریف و توضیحات، هیچ هدفی را در کتاب تأمین نمی‌کند، مگر طولانی‌کردن مقدمات.

۴- تلخیص و عدم تلخیص برخی شعرهای بلند؛ بعضی از شعرها تلخیص شده و به صورت خیلی کوتاه - حتی در حد دو بیت - ذیل زیرمؤلفه‌ها ذکر شده و برخی، برعکس، به تمامی ذکر شده‌اند. حال آنکه در شعرهای طولانی، گاهی به چند موضوع که هر کدام ذیل یک زیرمؤلفه می‌گنجد اشاره شده است و بهتر بود مؤلف تنها بخشی از آنها را که دقیقاً در تعریف یک زیرمؤلفه می‌گنجد، در ذیل همان زیرمؤلفه و بخش‌های دیگر را ذیل زیرمؤلفه‌های دیگر قرار می‌داد. در این صورت، اشعار با تعاریف و موضوعات هماهنگی بیشتری می‌یافتند. برای نمونه، شعری که در صص

۱۳۷-۱۳۹ آمده‌را، به ترتیب زیر، می‌توان به سه بخش تجزیه کرد و ذیل سه زیرمؤلفه ذکر نمود:

الف) بخش اول، از ص ۱۳۷ تا نیمه ۱۳۸، ذیل «دوستی وطن یا حب‌الوطن».

ب) بخشی از صص ۱۳۸ و ۱۳۹، ذیل «ناله‌های دور از وطن».

ج) بخش انتهایی شعر در انتهای ص ۱۳۹، ذیل «بازگشت به وطن».

به همین ترتیب، شعر «ما نمی‌خواستیم، اما هست...» (صص ۱۱۶-۱۱۳) و شعر «بام نیلی» (صص ۱۳۳-۱۳۱). همچنین، برخی اشعار را می‌توان ذیل دو یا چند موضوع نیز آورد؛ مانند شعر «به پا خیز» که هم در آن به مؤلفه «دوستی وطن» به خوبی اشاره شده است و هم «مدافعان میهن».

۵- وجود اشکال در توضیحات؛ در توضیحاتی که مؤلف به عنوان پیش‌درآمد، پیش از ذکر اشعار و در توضیح زیرمؤلفه‌های متفاوت آورده، تکرار دیده می‌شود (مانند آنچه در ص ۱۱۲ آورده که شبیه توضیحات ص ۱۴۳ است) و گاهی مطالب و نوشته‌ها عین یکدیگر هستند (مانند آنچه در ص ۱۱۱ ذیل اسلام در ایران نوشته شده که عیناً در ص ۱۱۳ تکرار شده است، البته نه به تمامی، بلکه برخی جملات عینی شبیه یکدیگرند).

۶- ایراد در عنوان کتاب؛ با توجه به این نکته که در این گزینه، فقط به شعرهایی که از سال ۱۳۵۷ به بعد سروده شده، اکتفا شده است، بهتر بود عنوان «ایران‌زمین در شعر انقلاب اسلامی» برای آن انتخاب می‌شد، زیرا عنوان فعلی بسیار کلی است و با محتوای کتاب هماهنگی ندارد.

### نقد محتوایی

در محتوای کتاب نیز برخی ایرادها به چشم می‌خورد از جمله:

۱- وجود اشکال در تعاریف و گزاره‌ها؛ در برخی توضیحات یا تعاریف کتاب، گزاره‌هایی کلی یا غیرمستند دیده می‌شود. برای نمونه، «شعر هنر ملی ایرانیان است و امروزه به نمادی برای هویت ملی آنان تبدیل شده است، که ریشه در عمق فرهنگ و تاریخ چند هزار ساله این مردم دارد» (ص ۸).

در این خصوص، باید گفت شعر هر ملتی، هنر ملی آن قوم و ملت است و تنها هنر ایرانیان نیست. دیگر اینکه شعر امروزه به نمادی برای هویت ملی ایرانیان تبدیل نشده و آن زمان که فردوسی شاعر بزرگ ایرانیان با نوای حمایش فریاد می‌زد:

چو ایران نباشد تن من میباد بدین بوم و بر زنده یک تن میباد

این فریاد برخاسته از همان عشق به زنده ماندن هویت ملی ایرانیان بود و مگر نه اینکه در تاریخ برخی فردوسی را متهم به شعوبیگری هم کرده‌اند؟ جالب اینجاست که مؤلف خود در ادامه همان گزاره نوشته است که این نماد هویت، ریشه در عمق شعر دیرین ایران زمین دارد.

نمونه دیگر، «شعر از جمله برجسته‌ترین ابداعات بشر است که اندیشمندان و از جمله فلاسفه و متکلمین و ادبا و حتی خود شاعران کوشیده‌اند تعریفی برای آن ارائه نمایند» (ص ۱۱) و پس از این گزاره، با بیان نقل قول‌هایی، تعاریفی متعدد از شعر ارائه شده است. درباره این گزاره نیز باید گفت اولاً با توجه به هدف اصلی تدوین کتاب، پرداختن به مقوله شعر چیست و سایر مقدمه‌ها، غیر ضروری می‌نماید و دوم اینکه بیان و ارائه تعاریفی که خود محل نزاع هستند، درست نمی‌نماید؛ زیرا با اینکه برخی کوشیده‌اند از «شعر» و کیفیت آن تعریفی ارائه دهند اما برخی نیز معتقدند شعر کیفیت قابل تعریفی نیست و کسی نمی‌تواند آن را وصف نماید. در پایان این مبحث نیز از تعاریف متعدد ذکر شده برای شعر، یک نتیجه‌گیری در داخل گیومه و در تعاریف شعر ارائه شده است، ولی ذیل آن به هیچ مأخذی اشاره نشده و بر خواننده معلوم نمی‌شود که تعریف مذکور، هر چند یادآور کلام خواجه نصیر طوسی در اساس الاقتباس است، از آن مؤلف است یا نقل قولی دیگر (ص ۱۳) یا درباره «شعر میهنی» (ص ۲۰) به مأخذ اشاره نشده است. بنابراین، بهتر بود مؤلف در بیان برخی گزاره‌ها و تعاریف، دقت و موشکافی بیشتر می‌نمود یا اینکه با ارجاع به نمونه‌ها و منابع، آنها را مستند می‌کرد.

۲- تقسیم‌بندی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها؛ درباره این تقسیم‌بندی هم می‌توان گفت برخی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها شباهت بسیار نزدیکی به هم دارند و قابل ادغام در یکدیگرند. علاوه بر این، برخی اشعاری که ذیل برخی زیرمؤلفه‌ها آمده‌اند، قابل جابه‌جا کردن هستند. در واقع، اشعاری که ذیل بخش‌های ۷-۳ آمده، به دلیل مضامین بسیار نزدیکی که با یکدیگر دارند، به طور دقیق، قابل مرزبندی و تفکیک نیستند و بسیاری از آنها را می‌توان ذیل یک زیرمؤلفه - مثلاً فداکاری در راه میهن - ذکر نمود؛ یا زیرمؤلفه‌های انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب، هر دو در یک بخش می‌گنجد و تفکیک آنها صحیح نیست؛ زیرا در همان شعرهایی که به مضمون «انقلاب اسلامی»



پرداخته شده، گریزی به رهبری انقلاب نیز زده شده و برعکس. همچنین، تمامی اشعاری که ذیل زیرمؤلفه «شهرهای میهن» آمده را می‌توان ذیل «دفاع از میهن» آورد و آنچه ذیل زیرمؤلفه‌ها «وطن‌دوستی»، «دفاع از میهن»، «فداکردن جان برای میهن»، «شهرهای میهن»، «سربازان و مدافعان میهن» آمده، چون مضامین مشترک فراوانی دارند، همه را می‌تون ذیل یک زیرمؤلفه - مثلاً دفاع از میهن یا وطن‌دوستی - آورد. برای نمونه، شعر زیر با نام «آوایی از سنگر» ذیل زیرمؤلفه «سرزمین» ذکر شده است، حال آنکه با توجه به وجود زیرمؤلفه‌های «جنگ تحمیلی»، «شهیدان وطن» و «مدافعان وطن»، بهتر بود ذیل یکی از این مؤلفه‌ها آورده می‌شد:

دست مرا بگیر که آب از سرم گذشت	خون از رُخم بشوی که تیر از پرم گذشت
سر بر کشیدم از دل این دود، شعله‌وار	تا این شب از برابر چشم ترم گذشت
شوق رهایی‌ام در زندان غم شکست	جوی خوش سپیده دم از سنگرم گذشت
با هم‌رهان بگویی: «سراغ وطن گرفت	هر جا که ذره خاک‌سترم گذشت»

فریدون مشیری

یا شعر معروف سیمین بهبهانی یا مطلع

«حمید آزاد شد      هویره آزاد شد ...»

که ذیل «جنگ تحمیلی» آمده، بهتر است به صفحه ۱۵۹ و «پیروزی مدافعان وطن» منتقل شود، یا شعر «واپسین برداشت» (ص ۱۳۵) باید در ذیل «ستایش از شهیدان وطن» (صص ۱۵۷-۱۵۱) ذکر شود.

درباره ادغام برخی از زیرمؤلفه‌ها نیز می‌توان گفت، برای نمونه در بخش ۴ با نام «دفاع از ایران‌زمین»، زیرمؤلفه‌های شهیدان وطن، فداکردن جان برای میهن، مدافعان میهن، سربازان و مدافعان میهن» اشعارشان بسیار به هم نزدیک و شبیه است و بنابراین، اگر همه آنها ذیل یک زیرمؤلفه آورده شوند، این جابه‌جایی هیچ آسیبی به نظم و نسق فعلی کتاب نخواهد زد.

۳- مضمون برخی اشعار با زیرمؤلفه‌هایی که ذیل آنها آمده‌اند، هماهنگی ندارد. برای نمونه، شعر «جاودان خرد» سروده شفیعی کدکنی در ستایش از فردوسی، است حال آنکه ذیل زیرمؤلفه «مردم ایران» آمده و باید به صفحه ۱۸۴ و زیرمؤلفه «شعرا ایرانی» منتقل شود. همچنین، شعر «روح بهار» (ص ۱۲۱) که در آن گویا شاعر وصیتی برای پس از مرگ خود کرده است، هیچ ارتباطی با مقوله «دفاع» به معنای اعم آن ندارد و شعر «مثل پرچمی سه رنگ» نیز ارتباطی با زیرمؤلفه «توصیف پرچم ایران» ندارد (ص ۱۰۳).

۴- در پیش‌درآمد کوتاهی که در تعریف مؤلفه «انقلاب اسلامی» و زیرمؤلفه‌های آن (انقلاب، امام خمینی، اسلام در ایران) نوشته شده، مؤلف توضیح نداده است که رویکرد به این مفاهیم چگونه با ذکر هویت ملی یا ایرانی در ارتباط است و شاعر چگونه با ذکر این مفاهیم یا پدیده‌ها همچون آرمان‌خواهی، حق‌طلبی، آزاداندیشی و استقلال‌جویی، در جهت یافتن «هویت گم‌شده خود است». به همین دلیل، در برخی اشعار این بخش، نکته خاصی درباره هویت ایرانی و مصادیق آن دیده نمی‌شود. همچنین درباره زیرمؤلفه «امام خمینی» در همین بخش باید گفت با اینکه نقش رهبری انقلاب اسلامی در بازیابی هویت گم‌شده ایرانی - اسلامی، نقشی بسزا بوده است، اما بهتر بود این زیرمؤلفه با عناوین برجسته‌تری همچون «رهبری ایران‌زمین» یا «نقش امام خمینی در پاسداشت از سرزمین» یا «امام و شفاف‌سازی هویت ملی»، نام‌گذاری می‌شد. مهمتر از همه اینکه ذیل این زیرمؤلفه، جای برخی شعرهای استوار گویا درباره رابطه امام و هویت ملی همچون «قهرمان تاریخ» از محمدحسین بهجتی، «کرامات نورانی» از سیدحسن حسینی، «گل آفتاب» از فاطمه راکعی، «قامت بلند ایثار» از حسین اسرافیلی و یا «شعر بزرگ خلق خمینی» از علی موسوی‌گرمارودی، سخت خالیست.

۵- در توضیحات زیرمؤلفه «شکوه از عقب‌ماندگی ایران» (ص ۲۲۱)، مؤلف نوشته است که در این دسته از اشعار، شاعر از خمودگی و ایستایی علمی فرهنگی ایرانیان و یا مسأله ایجاد تفرقه میان تشیع و تسنن شکوه می‌کند. سؤال اینجاست که مسائل یادشده چه ارتباطی با مؤلفه «دوری از وطن» و در کل، چه نمودی از «هویت ملی» در خود دارد؟ در پایان نقد، ذکر یک نکته بی‌فایده نیست و آن اینکه در ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، شاعر نه تنها در دفاع از هویت ملی - ایرانی خود به معنای خاص آن شعر نمی‌گوید، بلکه او هدفی بالاتر را تعقیب می‌کند و آن تکیه بر «جهان‌شمولی اسلام» و دفاع از هویت تازه کشف‌شده یا دوباره به دست آمده ایرانی - اسلامی و گاه فقط اسلامی است. به عبارت دیگر، برخی اشعار این دوره، مضمونی فراگیرتر از جنبه‌های ملی و وطنی یا تاریخی دارند و به همین دلیل، در آنها به آیات و احادیث و تلمیحات قرآنی هم فراوان اشاره می‌شود. اتفاقاً در برخی اشعار مذکور در این کتاب، مضمون جهان‌شمولی اسلام را به خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ از جمله در شعرهای «بانگ از جرس برخاست» از حمید سبزواری (صص ۱۱۶ و ۱۱۷)، شعر «سردار چو خاپوش» از شیوه فومنی (صص ۹۴ و ۹۵) و «رستاخیز» از سید محمود گلشن‌کردستانی (صص ۱۲۶-۱۲۴).

دکتر خدیجه حاجیان  
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

**منابع :**

- ۱- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۴)؛ *گزینۀ اشعار*، چاپ هشتم، تهران: مروارید.
- ۲- موسوی‌گرمارودی، علی (۱۳۷۳)؛ «درآمدی بر شناخت شعر»، *مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی*، سمت، صص ۵۷۹-۵۷۱.